

دنیا برای کودکان تنها ناامن نیست، رنج آور هم هست.

همین هفته گذشته بود که در جریان دو فقره بمباران هوایی مناطق مسکونی در افغانستان توسط جنگنده بمبافکن‌های آمریکایی ۱۵ کودک بی‌گناه کشته شدند. خبر این جنایت جنگی همانند صحنه بی‌اهمیت یک فیلم سینمایی در مقابل نگاههای تماشاچیان سریع عبور داده شد و با آغاز صحنه‌های بعدی که جدال مدافعین توحش را که در گوشه‌دیگری از این دنیا به نمایش می‌گذاشت، بازتابش را بسیار ماهرانه و برق‌آسا از ذهن عمومی زدودند.

در دنیای وحشیانه‌ای که مقدراتش را بوش و بلر، بن لادن و صدام حسین، خامنه‌ای و آل سعود و امثالهم رقم می‌زنند، در دنیایی که سرنوشت کودکان رنج هیچگونه ارزش و اهمیتی ندارد، شاید مرگ این چینی‌ها عذابش کمتر از تداوم زندگی در این جهنمی باشد که آفرینندگانش اندیشه‌ای جزء غارت و سود ندارند.

سال ۲۰۰۳ هم، سال تداوم رنج و آزار کودکان و نوجوانان فقیر و ستمدیده در جهان بود. سالی که معتبرترین آمارهای دستگاه‌های آمارگیری فجایع رفته بر کودکان را آنطور که هست منعکس نمی‌کنند و دیگر جای اعتبار نیستند. مصیبت رفته بر کودکان ابعادش بسیار گسترده‌تر از آنی است که با هدف گرفتن ژستی انساندوستانه به خورد بشریت امروز داده می‌شود.

خارج از منظومه و مدار آمار و ارقام فرمال که بیشتر برای معاملات مابین دولتها و نهادهای بین‌المللی و ایجاد دستگاه‌های عریض و طویل بی‌خاصیت عرضه می‌شود، رنج و آزاری را که زندگی و آینده کودکان و نوجوانان را در دنیای واقعی بطور جدی تهدید می‌کند با رواج فرهنگ لغات جدیدی که دنیای کودکان را به تصویر می‌کشد، می‌توان مورد قضاوت قرار داد.

کودکان قربانیان جنگ و خشونت، قربانیان طلاق و جدائی، بردگان تجارت سکس، بچه‌های کارتن خواب، کودکان کار، کودکان مهاجر و پناهنده، متولدین آلوده به ویروس ایدز، کودکان همراه در زندان، کودکان اعتیاد، بچه‌های خیابانی و کودکان محروم از درس و تحصیل، بهداشت و درمان واژه‌ها و مفاهیمی است که طی دوده‌ها اخیر هم‌زاد زندگی میلیونها انسان دردمند کره خاکی شده است. واژه‌هایی که ترجمه عملی آنها بارسنگینی است که زندگی امروز و آینده میلیونها کودک را با فجایع و مخاطرات نگران‌کننده‌ای روبرو ساخته است.

اما، آیا در افق پایانی برای رنج و آزار و خشونت و استثمار کودکان پدیدار است؟

آیا می‌شود به روزی امید بست که از خواب بیدار شوی اما تصاویر تلویزیونی ساختمان فرو ریخته‌ای را در یکی از اردوگاه‌های فلسطینی که کودکی ژنده پوش در کنار ستونهای فرود آمده‌اش دامان مادر را سرپناه قرار نداده باشد، نبینی و آن روز را بدون آزار عواطف انسانیت به شب برسانی؟

آیا می‌توان روزی از روزهای ماه را به پایان رساند بدون اینکه خبر و یا تصویر پیکر مثله شده چند و یا چندین کودک قربانی جنگ و خشونت مدافعان بربریت و ضجه مادران سینه چاک بر بالین پیکر خاموش آنها را شاهد نباشی؟

آیا می‌توان امید آن را داشت که شبی سر آسوده بر بالین نهی بدون اینکه وجدانت در عذاب دیدن جثه کوچک و یخ زده بچه‌های کارتن خواب و خیابانی رنج نکشد و در آرامشی با طراوت به رویاهایت بروی؟
و آیا واقعا روزی می‌رسد که کودکانی که برای یافتن لقمه‌ای نان در چهارراه‌های ترافیک سنگین تهران، بغداد، استانبول و پیشاور، بمبهای و کابل همانند بسیاری از کودکان دیگر به دور سفره و کانون گرم خانوادگی بازگشته باشند و هرگز به آن شرایط غم انگیز برنگردند؟

در پاسخ باید گفت اگر در بر همین پاشنه بچرخد و سرنوشت و مقدرات بشر را مدافعان سود و جنگ افروزان و جنگ طلبان رقم بزنند، امیدی به بهبود شرایط زندگی امروز کودکان نیست.

ولی آیا این شرایط را نمی‌توان تغییر داد؟ البته که می‌توان. حضور فعال مدافعین واقعی آزادی و برابری می‌تواند این دنیا و به طبع آن سرنوشت کودکان فقیر و ستمدیده را تغییر دهد، با این دورنما یکبار دیگر نفرت و بیزاری خود را علیه این همه بی‌عدالتی و آزاری که علیه کودکان در جهان می‌رود، بیان می‌داریم و همه بشریت آزادیخواه را مبارزه‌ای جدی برای دفاع از حقوق کودکان فرامیخوانیم.